

بررسی تطبیقی جایگاه اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران و حقوق بشر در سطح بین‌المللی

مرتضی پیروی ۱ و حسن بهادر مظفری ۲

۱-مدیریت لجستیک، فارغ التحصیل موسسه آموزش عالی علمی-کاربردی واحد بندرلنگه
معاونت قضایی

آدرس ایمیل: Pmortez62166216@gmail.com

۲-مدیریت بازرگانی، فارغ التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرلنگه

معاونت انتظامی و حفاظت فیزیکی

آدرس ایمیل: hasanbhador@gmail.com

چکیده

دراسناد بین‌المللی حقوق بشر از جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده و در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد بیان و تأکید قرار گرفته است. اما صرف نظر از این شناسایی دراسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه قضایی ما همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست و از تئوری تا عمل در نهادینه کردن اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه و آثار آن در دادرسی‌های کیفری فاصله زیادی هست و ثانیاً در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مواردی دیده می‌شود که نشان از بی‌توجهی یا عدم اعتقاد مقنن به این اصل مهم حقوق کیفری است و لذا جا دارد که اولاً مقنن ایرانی گام‌های عمده و اساسی در این راستا بردارد و ثانیاً رویه قضایی فعالتر و توانمندتر از گذشته به قوانین مرتبط با اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه و آثار آن پایبند باشد و این مقررات در جهت و راستای حقوق متهم بکار گیرد. اصل برائت به عنوان یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری و دادرسی‌های جزایی که ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادیهای فردی در جامعه دارد.

واژه‌های کلیدی: ۱- اصل برائت ۲- حقوق موضوعه ۳- حقوق بشر ۴- متهم ۵- وقوع جرم

مقدمه

با ظهور اندیشه‌های آزادیخواهانه و فردگرایانه در قرن ۱۸ و آغاز نهضت روشنگری و انسان‌گرایی مبتنی بر اصول علمی و عقلی بشری، نسبت به اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه توجه بیشتری مبذول گشت و اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ اعلام نمود که «هر انسانی بی گناه است مگر آنکه بزهکاری او ثابت شود.» بعد نیز اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی در بند ۱ ماده ۱۱ «اصل برائت» را اعلام نمود. با تأسی از اعلامیه حقوق بشر، اکثر شورها در قوانین اساسی خود «اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه» را صریحاً مورد بیان و تأیید قرار دادند و خواستار رعایت این اصل در دادرسی‌های کیفری شدند. «اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه» در طول قرن بیستم با ظهور برخی رژیمهای توتالیتر چون آلمان نازی، ایتالیای فاشیست و روسیه کمونیستی و بروز دو جنگ فراز و نشیب‌هایی داشت بطوریکه مقاطعی شدیداً مورد تعرض و خدشه واقع شد. اصل برائت عبارت از فرض بی‌گناهی متهم تا زمان اثبات گناهکاری وی در دادگاه صالح می‌باشد. این اصل دارای اهمیت زیادی بوده و تدثیر گسترده‌ای بر تحقق عدالت و رعایت حقوق بشر دارد. که متأسفانه در برخی از قوانین عادی ما عباراتی مشاهده می‌گردد که نشان از بی‌توجهی قانونگذار به این اصل مهم حقوق کیفری می‌باشد، به عنوان نمونه، قانونگذار عادی در ماده (۱) ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ به جای کلمه متهم از کلمه مجرم استفاده نموده است. درحالیکه می‌دانیم یکی از لوازم اصل برائت، فرض بی‌گناهی فرد تا اثبات جرم او در یک دادگاه صالح و با رعایت اصول یک دادرسی عادلانه می‌باشد و این ماده در واقع نشان می‌دهد که قانونگذار عادی به قانون اساسی و اسناد بین‌المللی بی‌توجه بوده است. و لذا ضرورت دارد ضمن تبیین اسناد بین‌المللی و نظام تقنینی ایران نسبت به رفع اشکالات مربوطه اقدام گردد. لذا در این مقاله دنبال پاسخ به سؤالات زیر هستیم: اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه چه جایگاهی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از جهانی و منطقه‌ای دارد؟ سیاست تقنینی و قضایی جمهوری ایران نسبت به اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه چگونه است؟ نظام حقوقی ایران در زمینه اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه، تا چه اندازه منطبق با اسناد بین‌المللی است؟ وجود «اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه» به شکل امروزی آن حاصل تحولات گسترده اجتماع در طول زمان و نیز جانفشانی روشنفکران؛ فیلسوفان و حقوق دانان است. با نگاهی به مطالعات تاریخی، این نتیجه بدست می‌آید که در گذشته‌های دور و حتی یکی دو قرن اخیر، جز در برخی اتهامات قابل پذیرش نبوده و در صورت عدم توانایی شاکی بر ارائه دلیل کافی علیه متهم اثبات بی‌گناهی بر عهده خود متهم واگذار می‌شده است^۱. اگرچه برخی از نشانه‌های «اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه» متهمین را در پاره‌ای از قوانین به جا مانده از ادوار گذشته می‌توان دید. به عنوان نمونه می‌توان به مجموعه قوانین حمورابی اشاره نمود، همچنین می‌توان به دستور آنتونیوس در حقوق روم اشاره نمود که مقرر کرد «در موارد شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم»، به سود او بایستی قضاوت شود و هر کس مادام که گناه او ثابت نشده، بی‌گناه است^۲. البته علی‌رغم نشانه‌های فوق مبنی بر پذیرش اصل برائت موارد بیشماری دیگری از جمله توسل به اوردالی یا داوری ایزدی^۳ می‌توان یافت که نشان از بی‌توجهی به اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه و عدم پذیرش آن می‌باشد.

اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه

اصل بهره‌مندی از وکیل

یکی دیگر از اصول دادرسی منصفانه را حق متهم به داشتن وکیل عنوان می‌کند که در اصل ۳۵ قانون اساسی پیش‌بینی شده است، با این تفاوت که وکیل شاکی می‌تواند در مرحله تحقیقات به طور کامل دخالت کند و در جریان امور پرونده قرار گیرد، ولی وکیل متهم به موجب ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی در امور کیفری و تبصره آن فقط می‌تواند از جانب متهم اعلام وکالت کند، همراه موکل باشد و بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه تحقیقات مطالب خود را بیان کنند، آن هم در غیر موارد

^۱ ر.ک: محمد آشوری؛ عدالت کیفری (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶)، ص ۱۳۵

^۲ ر.ک: علی حجتی کرمانی؛ سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ (تهران: انتشارات مشعل، ۱۳۶۹)، ص ۱۸۰.

^۳ براساس اوردالی، قضاوت بر این باور بودند که ایزدان به کمک متهم بی‌گناه خواهد شتاف و چنین متهمی از آزمون اوردالی سربلند بیرون خواهد آمد. این شیوه در منشور حمورابی، در ایران باستان و در اروپای قرون وسطی به کرات دیده می‌شود.

محرمانه. در قوانین موضوعه ایران، اگر به تشخیص قاضی حضور غیر از متهم موجب فساد شود، همچنین در جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

اصل تفهیم اتهام به متهم

اصل تفهیم اتهام به متهم را یکی از اصول دادرسی عادلانه می‌باشد و این حق متهم است که از جانب مقام قضایی اتهام وی به نحوه‌ای بیان شود که با توجه به شرایط و وضع متهم برای او قابل درک باشد. این تفهیم باید با ذکر ماده قانونی که توسط متهم نقض شده از جانب مقام قضایی همراه شود. حق اطلاع دقیق از زمینه اتهام، نوع و درجه آن که در ابتدایی‌ترین مراحل تعقیب و تحقیق باید صورت گیرد برای آن است که متهم بتواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد. اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». همچنین در ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری به این اصل اشاره و حق تفهیم اتهام برای متهم شناخته شده است. تفهیم اتهام به دلیل اهمیت فراوانی که دارد مورد توجه اعلامیه‌های حقوق بشر نیز قرار گرفته است. در بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر کرده: «هرکس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد.»

اصل محق بودن متهم به سکوت

برخورداری از این حق موجب می‌شود متهم بدون آنکه تکلیفی داشته باشد از این حق به عنوان ابزاری در جهت تامین حقوق و آزادی‌های شهروندی‌اش استفاده کند و در برابر پرسش‌ها ساکت بماند. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق بشر می‌گوید: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود، حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده» برخوردار شود. در بند «ز» از این حقوق آمده است «مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف کند.» وی ادامه می‌دهد: همچنین طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری «دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و روشن شدن موضوع لازم است از طرفین و شهود و مطلعین خواهد کرد. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند، رسیدگی را ادامه می‌دهد.» اما وفق بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی پیش‌بینی شده است که «هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش‌های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست، خودداری کند» این ماده حق سکوت را محدود به سوالات غیرمشروع و غیر مرتبط دانسته است.

اصل منع شکنجه

به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.» علاوه بر هرگونه اذیت یا آزار بدنی فرد که حد اعلائی شکنجه است، هر اقدامی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی شود، نیز می‌تواند از مصادیق شکنجه باشد، همچون نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه، بی‌خوابی دادن به زندانی و بازجویی در شب، فحاشی، به کار بردن کلمات رکبیک، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات متهم با وکیل و ممانعت از انجام فرایض مذهبی که تماماً نقض حقوق و آزادی‌های انسانی است. منع شکنجه به موجب دو منبع حقوق بین‌الملل قاعده‌ای متبع شناخته شده و از اقتدار حقوقی برخوردار شده است؛ یکی از این منابع معاهدات بین‌المللی است و دیگری عرف بین‌المللی ناشی از طرز عمل عمومی. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته است: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد شکنجه و آزار یا رفتارهای خشن، غیر انسانی یا موهن قرارداد». همچنین در ماده ۹۹ قرارداد سوم ژنو نیز صریحاً آمده است: «هیچ فشار روحی یا بدنی نباید به منظور اعتراف به عمل مورد اتهام به اسیر جنگی وارد آید». همچنین باید اشاره کرد که دلایلی نظیر تهدید امنیت داخلی، احتمال

تهاجم خارجی، خطر تروریسم یا مصلحت نظام به هیچ‌وجه اعمال شکنجه یا رفتارهای خشن و موهن را توجیه نمی‌کند. با توجه به آنچه گفته شد حقوق متهم عبارت است از مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه از بدو اتهام تا صدور حکم و اجرای حکم لازم است، متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت، علیه او مطرح شده است، از خود دفاع کند. دفاع از منافع جامعه نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان شود و به این سبب، مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تنظیم شود که علاوه بر رعایت حقوق جامعه، متهم را نیز در دفاع از خود یاری کند. در همین راستا رعایت اصول دادرسی منصفانه حیاتی و ضروری به نظر می‌رسد.

اصل برائت

اصل برائت را یکی از مهم‌ترین تمهیدات قانونی برای عادلانه‌تر کردن دادرسی‌ها می‌باشد. تمامی دادرسی‌هایی که صورت می‌گیرد برای تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت است. هیچ دادگاهی برگزار نمی‌شود مگر برای آنکه حقی را ستانده و به صاحبان حق برگرداند و در این مسیر عادلانه بودن آن دادگاه باید به عنوان یک الزام در نظر گرفته شود و این مهم محقق نمی‌شود مگر به واسطه رعایت اصول دادرسی عادلانه، بنابراین این هدف باید در جزء جزء فرآیند دادرسی رعایت شود. بر این اساس، برخی اصول در دادرسی‌ها تعیین شده است که رعایت آنها عدالت را تامین می‌کند. اصل برائت در حقوق به این معنی است که بنای دادرسی بر عدم ارتکاب جرم توسط افراد است، مگر اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم فرد در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود. اصل برائت از بنیادی‌ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام‌های نوین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. پیش فرض برائت یکی از اصول و قواعد بنیادین محاکمات جزایی است که از حقوق شهروندان در برابر قدرت‌طلبی‌های نهادهای عمومی حمایت می‌کند. پیش از اثبات تقصیر فرد در دادگاه صالح و به موجب قانون، هر نوع اظهار نظر درباره مسئولیت و مجرمیت وی نقض پیش فرض مورد بحث تلقی می‌شود. حق بهره‌مندی از اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی، در بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع، در بند ۲ ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب، همچنین ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت مورد تایید قرار گرفته است.

اصل دادرسی توسط مقامی بی طرف

منظور از اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده آن است که اولاً، قضات بدون جانبداری سیاسی، حقوقی و اعتقادی به وظیفه خویش بپردازند و ثانیاً، رسیدگی قضایی باید مستدل، مستند و در چارچوب قوانین حاکم باشد. درباره تامین این حق و رعایت این اصل در بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعواش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود». برخلاف مقررات و اسناد بین‌المللی که صراحتاً از بی‌طرفی دادگاه سخن گفته‌اند، در مقررات ایران کمتر به صراحت از بی‌طرفی در دادرسی سخن رفته است و باید بی‌طرفی را در قالب الفاظ و عناوین قوانین استنباط کرد.

اصل علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی وضعیتی است که در آن بدون ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های عمومی جلسات رسیدگی به اتهام متهم تشکیل و اداره می‌شود. این اصل امروزه یکی از مولفه‌های مهم دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بشر در دعوی کیفری محسوب می‌شود. اسناد حقوق بشری مختلف از جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و بند ۱ ماده اعلامیه حقوق بشر بر علنی بودن رسیدگی تاکید کرده‌اند. در همین باره، اصل ۱۶۵ قانون اساسی مقرر کرده است «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمات علنی نباشد».

حمایت از اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه در مرحله تعقیب

اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه و احترام به آن اقتضا می‌نماید که در مرحله تعقیب جرایم یکسری تشریفات و مواردی مورد رعایت قرار گیرد. بایستی از معرفی شخص تحت تعقیب به عنوان مجرم تا اثبات اتهام او در یک دادگاه صالح طبق یک دادرسی عادلانه خودداری گردد و بسیاری از حقوق و امتیازات نیز برای متهم در هنگام تعقیب بایستی به رسمیت شناخته

شود. از انتشار عکس اشخاص تحت تعقیب بایستی خودداری گردد. در این گفتار به بررسی این موارد در اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر همچنین اساسنامه دیوان یفوری بین المللی و نیز حقوق کیفری داخلی می پردازیم. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۱ خود اعلام می دارد که هر کس به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد. ماده ۸ اعلامیه در واقع یک نوع ضمانت اجرا برای رعایت حقوق و آزادیهای فردی است. بر اساس این ماده و در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دارد.^۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده ۹ خود اعلام می دارد: « ۱- هیچ کس را نمی توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون ۲- هر کس دستگیر می شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات آن مطلع شود و در اسرع وقت خطریه ای دائر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می شود دریافت دارد. ۳- هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت می شود. باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد حاضر نمود و باید در موقع معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند بایستی قانون کلی باشد لیک آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمینهایی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب مورد برای اجرای حکم تدمین نماید. - هر کس که بر اثر دستگیری یا بازداشت شدن از آزادی محروم می شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند. ۵- هر کس بطور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت باشد حق جبران خسارات خواهد داشت». همانگونه که می بینیم میثاق همگام با اصول هفت گانه دادرسی عادلانه تشریفات مورد لزوم موقع تعقیب متهم را مورد شناسایی قرار داده که بایستی مورد رعایت قرار گیرند. بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی یک فرد مظنون به ارتکاب یکی از جرایم تحت صلاحیت دیوان حق دارد تا پیش از بازجویی از سایر حقوق خاص خود مطلع شود. این حقوق عبارتند از حق مطلع از اینکه او مظنون به ارتکاب جرم است، حق اختیار سکوت بدون آنکه این سکوت به هنگام محاکمه دلیلی بر مجرمیت یا بی گناهی او تلقی شود، حق برخورداری از مساعدت های قانونی و حق بازجویی در حضور وکیل مگر آنکه خود او از این حق صرف نظر کرده باشد. این حقوق مقرر در اساسنامه در مقایسه با اسناد مشابه آن نظیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۴ و نیز پیشرفته ترین نظام های قضایی ملی بسیار پیشرفته تر است.^۵ اساسنامه اصرار دارد که این هنجارها حتی اگر بازجویی توسط مقامات نظام های قضایی ملی و در پاسخ به درخواست دیوان انجام می گیرد، رعایت شود. اگر این قواعد نقض شوند، دیوان حق دارد اعترافی را در نتیجه آن حاصل شده از زمره ادله خارج کند.^۶ به هر حال بر اساس اساسنامه هر مظنونی بایستی از تضمینات مربوط به حقوق اساسی خویش و از جمله، حق دریافت فوری و بی درنگ اطلاعات مربوط به علل دستگیری خود و اتهاماتی که علیه او مطرح است و حق محاکمه شدن، بدون تأخیر بی مورد. برخوردار شود. حق آگاه شدن فوری و بی درنگ از اتهامات، گرایش مقامات مسئول تعقیب رابرای فراهم کردن زمینه توقیف طولانی مدت مظنون، تعدیل نموده و همچنین، مظنون را قادر می سازد که صحت اتهامات را منکر شده و از آزادی خویش پیش از آغاز مراحل دادرسی، اطمینان حاصل نماید. درباره نحوه دادن اطلاعات مورد بحث به مظنون، قاعده و ضابطه خاصی وجود ندارد. نیازی نیست که وی را کتباً آگاه سازند و همچنین اطلاعات مبوطه ممکن است تدریجاً در اختیار او قرار داده شود؛ مشروط بر اینکه به صورت فوری و بی درنگ ارائه شود. قضاوت در مورد رعایت یا عدم رعایت این دستور باید در هر مورد به طور جداگانه صورت پذیرد.^۷ علاوه بر این مظنون حق دارد برای رسیدگی مجدد به لزوم یا عدم لزوم توقیف خویش به یک

^۴ ماده ۹ میثاق.

^۵ اساسنامه رم، ماده (۲) ۵۵.

^۶ ماده (۷) ۶۹ اساسنامه.

^۷ Jean -Bosco Barayagwiza v. prosecutor, Case No. ICTR - 97-19-I, ICTR APP.ch, 3 NOV.1999, para-80-85.

مقام قضایی بی طرف مراجعه نماید؛ این همان است که در کامن لائو به حق شکایت بر اساس قرار احضار زندانی^۸ مشهور است. حتی اگر متعاقباً ادعای امانت علیه مظنون مورد تأیید قرار گرفته و وی در جلسه تحقیقات مقدماتی حاضر شده باشد، اینها نمی تواند خودداری از رسیدگی به موقع به شکایات یاد شده را توجیه کند^۹. براساس یکی از اصول پذیرفته شده و تثبیت شده قواعد بین المللی حقوق بشر، بازداشت پیش از محاکمه، مادام که از محدوده زمانی معقولی تجاوز نکند، از نظر حقوقی مجاز است^{۱۰}. فرض بر بی گناهی تا زمانیکه جرم به اثبات نرسیده است، پایه وشالوده نظام دادرسی کیفری را تشکیل می دهد، از این رو تأخیر بی جهت در رسیدگی و یا بازداشت توجیه ناپذیر مظنون، تیری است که قلب دستگاه دادرسی را نشانه می رود^{۱۱}. رسیدگی دادگاه تجدید نظر خارج از نوبت خواهد بود. در هر صورت ظرف مدت یکماه باید وضعیت متهم روشن شود و چنانچه قاضی مربوطه ادامه بازداشت موقت متهم را لازم بداند به ترتیب یاد شده اقدام خواهد نمود. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز برخی از قواعد مهم حاکم بر مرحله تحقیق و تعقیب و نیز برخی از آثار مهم اصل برائت را مورد توجه قرار داده است. بر اساس این ماده واحده، تعقیب جرائم واجرای تحقیقات و صدور و قراردادهای تأمین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و یا حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت نگیرد. و از اعمال هر گونه سلیق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود^{۱۲}. محکومیت ها بایستی بر طبق ترتیبات قانون و منحصر به شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد^{۱۳}. بر اساس بند ۳ ماده واحده، محاکم و دادرها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. همچنین بر اساس ماده واحده مزبور در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد^{۱۴}. همچنین بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم با بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند^{۱۵}. هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امواد دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینصورت حجت شرعی و قانونی نخواهد داشت^{۱۶}. همچنین تحقیقات و بازجویی ها، بایستی مبتنی بر اصول و شیوه های عملی قانونی و آموزش های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات قانونی را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش های خلاف آن متوسل شده اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد^{۱۷}. بر اساس بند ۱۱ ماده واحده مزبور نیز، پرسش ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی اجتناب گردد.

حمایت از اصول هفت گانه دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی و صدور حکم

احترام به اصول هفت گانه دادرسی عادلانه اقتضا می نماید که در مرحله دادرسی یکسری تضمیناتی رعایت گردد و متهم دارای یکسری حقوقی باشد که بایستی به دیده احترام نگاه کرد: مهم ترین آثاری که در مرحله دادرسی جهت همگامی با اصول

^۸ "habeas corpus". این قرار بمنظور رسیدگی به اینکه بازداشت وی طبق قانون صورت گرفته یا خیر، صادر می شود.

^۹ Ibid.paras.87-90.

^{۱۰} ر.ک: گریانگ ساک گیتی؛ حقوق بین الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳) ص ۵۳۶.

^{۱۱} همان.

^{۱۲} ماده (الف) (۳) ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین.

^{۱۳} بند ۱ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

^{۱۴} بند ۲ ماده واحده.

^{۱۵} بند ۶ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع.

^{۱۶} بند ۷ ماده واحده.

^{۱۷} بند ۹ ماده واحده.

هفت‌گانه دادرسی عادلانه بایستی رعایت گردد، عبارتند از: برخورداری از حق اطلاع فوری از اتهام انتسابی؛ (۲) تضمین حق دفاع متهم؛ (۳) تضمین حق سکوت متهم (۴) تکلیف شاکی یا مدعی العموم به ارائه دلایل و مدارک توجه اتهام؛ (۵) رعایت اصل برابری در مقابل قانون و دادگاه؛ (۶) تفسیر شک به نفع متهم. همچنین مهم‌ترین آثار اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه که در حقوق متهم بایستی رعایت گردد می‌توان به صورت زیر بیان نمود: (۱) حق تفهیم اتهام در اولین ساعات انتساب اتهام یا بازداشت؛ (۲) حق برخورداری از سکوت در قبال اتهامات وارده، حق برخورداری از وکیل در حین دادرسی؛ (۳) حق دسترسی به پرونده اتهامی و اطلاع از کلیه دلایل تحمیل شده علیه او؛ (۴) حق برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی قبل از صدور یک حکم قطعی و لازم‌الاجراء (۵) عدم نیاز به اثبات بی‌گناهی توسط متهم؛ (۶) حق ارائه آخرین دفاع در آخرین مرحله دادرسی؛ (۷) حق اعتراض به قرارها و احکام صادره قبل از قطعی شدن آن‌ها؛ (۸) لزوم تفکیک سیستم بازداشتگاه‌های موقت از زندانها و جداسازی متهمین تحت قراردادهای بازداشت از محکومیت‌های کیفری حبس. جهت رعایت اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه، در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات نیز یکسری اصولی بایستی رعایت گردد، از جمله اینکه متهم حق اعتراض به حکم صادره در مرجع بالاتری داشته باشد، رأی صادره به اتفاق و منطبق با اصول و مواد قانونی باشد و تا زمانیکه قطعیت حکم در یک مرجع بالاتر از افشای نام متهم و نیز جزئیات و ماهیت پرونده خودداری گردد و با وی مثل مجرمان برخورد نگردد. همچنین از محاکمه مجدد وی خودداری شود. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ماده ۶۷ اصول حاکم بر دادرسی عادلانه و نیز حقوق ناشی از اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه متهم را مورد توجه قرار داده است. بر اساس بند (۱) ماده ۶۷ اساسنامه، متهم برای هر اتهامی این حق را دارد که به صورت علنی و منصفانه و بیطرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات محاکمه شود: الف: به زبانی که متهم کاملاً درک و با آن صحبت می‌کند فوراً و دقیقاً از ماهیت و سبب و محتوای اتهام مطلع شود. ب: وقت کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند، ارتباط داشته باشد. ج: بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود. د: با رعایت بند ۲ ماده ۱۸۶۳ و به منظور انجام امر دفاع شخصاً، و یا از طریق مشاور حقوقی انتخابی خود در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر از مشاورت حقوقی بهره‌مند نیست، حق دارد از مساعدت مشاور حقوقی که دیوان در صورت ضرورت و در راستای اجرای عدالت فراهم می‌کند، بهره‌مند شود؛ حتی اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوط را نداشته باشد؛ ه: از شهود که علیه وی معرفی شده‌اند رأسیاً یا توسط دیگری سؤال‌الاتی بنماید و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی داشته‌اند، شهود خود را در جلسه حاضر کرده و از آنها سؤال کند؛ و: اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می‌شود به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده است و صحبت می‌کند، وی می‌تواند به صورت رایگان از مساعدت مترجم کارآمد و همچنین ترجمه‌هایی که در یک محاکمه منصفانه لازم است، بهره‌مند شود؛ ز: متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند بدون اینکه سکوت وی به منزله اعتراف و یا انکار تلقی شود؛ ح: می‌تواند لایحه‌ای کتبی و بیانه‌ای شفاهی بدون اینکه سوگند یاد کند، ارائه دهد؛ ط: هیچ‌گونه تکلیف متقابلی در جهت اثبات ادله و یا تکلیف در رد آنها بر متهم تحمیل نمی‌شود. همچنین علاوه بر موارد دیگری که در این اساسنامه راجع به ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان بایستی به محض آنکه امکانپذیر شد، مستنداتی را که در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی‌گناهی متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می‌گذارد، به متهم ارائه دهد به صورت تردید در شمول یا عدم شمول این بند، اتخاذ تصمیم با دیوان خواهد بود.^{۱۹} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اگرچه قواعد یک دادرسی عادلانه و حقوقی را که متهم در حین دادرسی در راستای اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه

^{۱۸} بند ۱۰ ماده واحده

^{۱۹} بند ۲ ماده ۶۳ اساسنامه: «اگر متهم به اختلال در امر محاکمه مبادرت ورزد، شعبه بدوی می‌تواند دستور اخراج وی را از جلسه بدهد ولی اگر لازم باشد باید ترتیباتی را مقرر دارد تا مشارالیه بتواند خارج از شعبه و با استفاده از وسایل ارتباطی، جریان محاکمه را نظاره کرده و توصیه‌های لازم را به وکیل مدافع خود بنماید. چنین اقداماتی فقط در شرایط استثنایی و تنها در زمانیکه راه‌حلهایی منطقی غیر مؤثر بوده و فقط برای مدت مورد نیاز، اتخاذ می‌گردد.»

بایستی از آن برخوردار گردد، بطور جامع و صریح مورد بیان قرار نداده است، ولی برخی از آثار اول برائت در مرحله دادرسی از جمله حق محاکمه در یک دادگاه صالح^{۲۰}، حق برخورداری از وکیل و نیز معاضدت قضایی در صورت عدم امکان توانایی انتخاب وکیل^{۲۱}، حق دادخواهی^{۲۲}، منع اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند^{۲۳} در قانون اساسی مورد شناسایی واقع شده است.

حمایت از اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه در مرحله صدور حکم و مجازات

اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه اقتضا می‌نماید که در موقع صدور حکم یکسری مواردی مورد رعایت قرار گیرد، از جمله اینکه حکم صادره قطعی نباشد و متهم حق اعتراض و پژوهش خواهی نسبت به حکم صادره را داشته باشد و همچنین بعد از صدور حکم قطعی، متهم بخاطر آن اتهام دوباره محاکمه نشود و همچنین محکمه نایستی مجازاتی را که در موقع ارتکاب عمل طبق قانون مقرر نبوده است، برای متهم در نظر بگیرد. بر اساس بند ۲، ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد. به همین ترتیب هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت دربارهٔ احدی اعمال نخواهد شد.

نتیجه‌گیری:

دراسناد بین‌المللی حقوق بشر از جایگاه ارزشمندی برخوردار بوده و در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد بیان و تأکید قرار گرفته است. اما صرف نظر از این شناسایی دراسناد بین‌المللی و حقوق داخلی، اولاً رویه قضایی ما همگام با سیاست تقنینی مزبور نیست و از تئوری تا عمل در نهادینه کردن اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه و آثار آن در دادرسی‌های کیفری فاصله زیادی هست و ثانیاً در قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران مواردی دیده می‌شود که نشان از بی‌توجهی یا عدم اعتقاد مقنن به این اصل مهم حقوق کیفری است و لذا جا دارد که اولاً مقنن ایرانی گامهای عمده و اساسی در این راستا بردارد و ثانیاً رویه قضایی فعالتر و توانمندتر از گذشته به قوانین مرتبط با اصول هفت‌گانه دادرسی عادلانه و آثار آن پایبند باشد و این مقررات در جهت و راستای حقوق متهم بکار گیرد. اصل برائت به عنوان یکی از اصول حاکم بر حقوق کیفری و دادرسی‌های جزایی که ارتباط عمیقی با حفظ حقوق و آزادیهای فردی در جامعه دارد.

منابع:

۱. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. دادرسی عادلانه؛ (۱۳۸۶) ترجمه طه، فریده و اشرافی، لیلا؛ چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. رجبی، ابراهیم؛ (۱۳۸۶). پلیس و حقوق شهروندی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید.
۳. عاشوری، محمد (۱۳۷۶). نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری. مجله مجتمعات آموزش عالی، سال اول شماره سوم؛ عدالت کیفری.
۴. علی‌حجتی کرمانی؛ سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ (تهران: انتشارات مشعل، ۱۳۶۹)
۵. Jean –Bosco Barayagwiza v. prosecutor, Case No. ICTR – 97-19-I, ICTR APP.ch, 1 3NOV.1999, para-80-85
۶. گریانگ ساک‌گیتی؛ حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳)
۷. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین.
۸. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی.

۲۰ بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان.
۲۱ اصل ۳۷ قانون اساسی.
۲۲ اصل ۳۵ قانون اساسی.
۲۳ اصل ۳۴ قانون اساسی.

۹. اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۱۰. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی.

۱۱. کنوانسیون امریکایی حقوق بشر،

اعلامیه